

جایگاه آموزش محیط‌زیست در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و قانون اساسی ایران

مریم شیخ‌الاسلامی بورقانی *

سیدمحمد شبیری **

چکیده

آموزش محیط‌زیست، یکی از راه‌حل‌های اساسی برای مقابله با بحران‌های محیط‌زیستی ناشی از فعالیت انسان است. هدف آموزش محیط‌زیست این است که درک و فهم شهروندان را درباره محیط‌زیست افزایش داده و در ایشان رفتاری را تقویت کند که لازمه بقا و بهبود کیفیت محیط‌زیست است. در این مقاله سند چشم‌انداز و قانون اساسی از بعد آموزش محیط‌زیست و با روش توصیفی تحلیلی بررسی می‌شود. تحلیل محتوای سند چشم‌انداز و قانون اساسی حاکی از آن است که ظرفیت‌های فراوان برای توسعه آموزش‌های محیط‌زیستی در این اسناد بالادستی وجود دارد. مهم‌ترین ابعاد محیط‌زیستی مندرج در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ عبارت است از: بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب، بهره‌مند از امنیت اجتماعی، برخوردار از دانش پیشرفته، امن، برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، به‌دور از فقر، الهام‌بخش، بهره‌مند از توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان. در این پژوهش ارتباط این ابعاد با آموزش‌های محیط‌زیستی تحلیل و توصیف می‌شود. با وجود اینکه مهم‌ترین اصل قانون اساسی مرتبط با آموزش محیط‌زیست اصل ۵۰ است، اما اصول ۳، ۸، ۴۳، ۴۵، ۵۱، ۱۰۰، ۱۰۴ و ۱۴۷ نیز از این بُعد قابل تفسیر است. نتایج تحقیق مبین آن است که آموزش محیط‌زیست از طریق افزایش آگاهی، بینش، نگرش، دانش، مهارت و تعهد، جلب مشارکت و ارائه الگوهای عملی می‌تواند زمینه‌ساز اجرای این اصول و ابعاد مندرج در اسناد بالادستی شود. بنابراین آموزش‌های محیط‌زیستی برای رسیدن به برخی از ابعاد مندرج در سند ۱۴۰۴ و اجرای تعدادی از اصول قانون اساسی یک راهبرد اساسی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی

سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، قانون اساسی، آموزش محیط‌زیست

* دانشجوی دکتری آموزش محیط‌زیست دانشگاه پیام نور تهران و مدرس دانشگاه پیام نور اراک (نویسنده مسئول)

Email: sheykholeslami@alumni.ut.ac.ir

Email: smsshobeiri@yahoo.com

** دانشیار گروه آموزش محیط‌زیست دانشگاه پیام نور تهران

تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۲۴

تاریخ ارسال: ۹۴/۱۰/۳

فصلنامه راهبرد / سال بیست و پنجم / شماره ۸۰ / پاییز ۱۳۹۵ / صص ۳۴۱-۳۲۱

جستارگشایی

مجموعه فعالیت‌هایی که بشر برای دستیابی به رفاه بیشتر و توسعه اقتصادی اجتماعی انجام داده است، محیط‌زیست را تخریب کرده و چنان تغییراتی در آب، هوا و زمین و منابع طبیعی به وجود آورده که قابلیت سکونت در کره خاکی و سلامتی و حیات انسان و موجودات زنده را با خطراتی جدی مواجه کرده است. بخشی از این تخریب‌ها و تهدیدها ناشی از عدم آگاهی عمومی نسبت به مسائل است که بشر باید برای مقابله با این بحران‌ها، بسیاری از عادات، رفتارها، الگوها و ارزش‌های خود را تغییر بدهد (براون، ۱۳۷۲: ۷-۸). آموزش محیط‌زیست یکی از راه‌حل‌های اساسی برای مقابله با بحران‌های محیط‌زیستی ناشی از فعالیت انسان است. آموزش محیط‌زیست یک فرایند هدفمند است که سعی دارد مردم را نسبت به محیط‌زیست و مشکلات مربوط به آن آگاه کند. همچنین آموزش‌های محیط‌زیستی انگیزه، دانش، آگاهی، مشارکت، تعهد و مهارت‌های افراد را به‌طور فردی و جمعی در حل مشکلات محیط‌زیست و جلوگیری از به‌وجود آمدن مشکلات جدید افزایش می‌دهد. بر اساس تعریف کنفرانس بلگراد، آموزش محیط‌زیست یک فرایند تکمیلی در آموزش است که باید بر روی مشکلات بخشی و نظم متقابل تمرکز داشته باشد و هدف آن به‌وجود آوردن احساس ارزش و تأمین زندگی بهتر برای عموم مردم است. همچنین آموزش محیط‌زیست، راهنمای موضوعات نگران‌کننده مرتبط با حال و آینده است. آموزش محیط‌زیست موضوعات گسترده‌ای را از جمله: رشد جمعیت، آلودگی، ته‌کشیدن منابع، توزیع منابع، فناوری حفاظتی، برنامه‌ریزی شهری و روستایی در برمی‌گیرد (Stapp, 1969: 37).

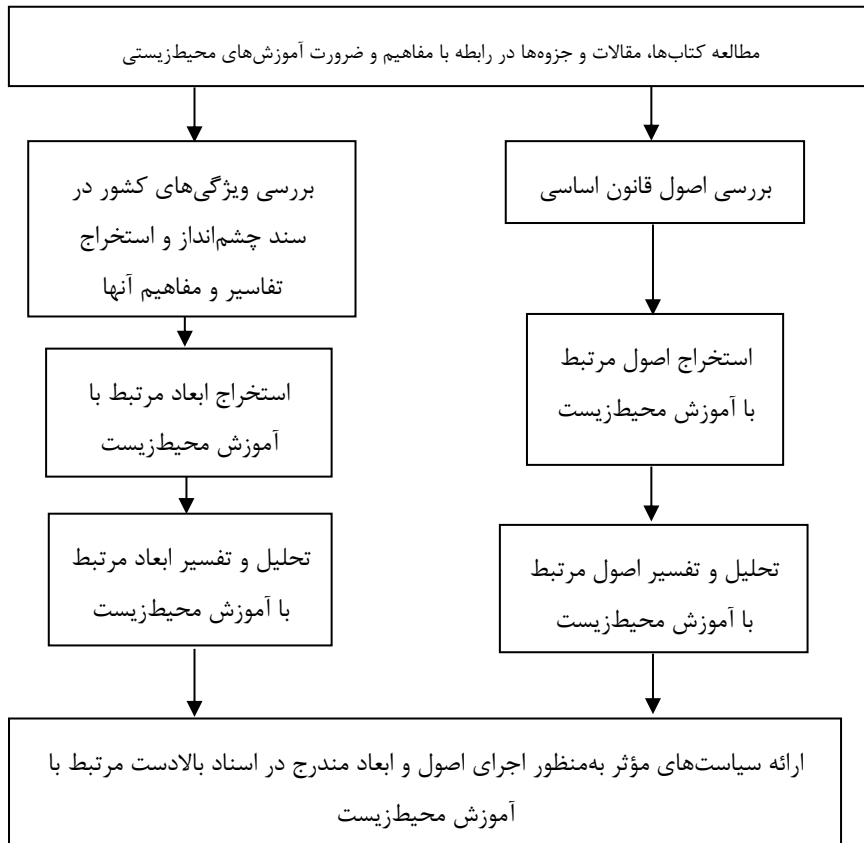
هدف از این مقاله بررسی و تحلیل جایگاه آموزش محیط‌زیست در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و قانون اساسی کشور است تا مشخص شود، آموزش‌های محیط‌زیستی چگونه می‌تواند زمینه‌ساز دستیابی به سند چشم‌انداز کشور و اجرای قانون اساسی شود. سند چشم‌انداز کشور توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۸۴ تدوین شده و تاکنون از ابعاد مختلف تحلیل شده است. به‌عنوان مثال، صالحی/امیری و امیرانتخابی در سال ۱۳۹۲ راهکارهای ارتقای سرمایه اجتماعی در کشور با توجه به سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام را تبیین کرده‌اند. علایی در سال ۱۳۹۲ امنیت پایدار در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران را بررسی کرده است. بعضی از اصول قانون اساسی نیز از ابعاد مختلف مورد بحث قرار گرفته است. به‌طور نمونه، باباپور و گل‌افشانی در سال ۱۳۹۲ مبانی کلامی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را تفسیر کرده و عباسی‌فرد در سال ۱۳۹۱ اصل ۱۶۸ قانون اساسی را واکاوی نموده است.

این مقاله برای نخستین بار سند چشم‌انداز و قانون اساسی را از منظر آموزش محیط‌زیست مورد تحلیل و تفسیر قرار داده است. همچنین با ظرفیت‌سازی لازم در قانون اساسی، زمینه الحاق آموزش محیط‌زیست در سیاست‌گذاری‌های کشور فراهم شده که امید است مورد استفاده محققان و تصمیم‌گیران قرار گرفته و در جهت فراهم‌آوردن محیط‌زیست مطلوب، آن چنان که در سند چشم‌انداز بیان شده است، مؤثر واقع شود. این مقاله به‌منظور ایجاد ارتباط بین اهداف بلندمدت توسعه کشور با آموزش محیط‌زیست به‌دنبال پاسخ به دو پرسش اساسی است:

آموزش محیط‌زیست چگونه می‌تواند در فراهم‌آوردن ابعاد محیط‌زیستی مندرج در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ کشور مؤثر واقع شود؟ مهم‌ترین اصول قانون اساسی راجع به محیط‌زیست کدام است و آموزش محیط‌زیست چگونه می‌تواند زمینه لازم در اجرای این اصول را فراهم آورد؟

روش تحقیق. این پژوهش از نوع کیفی و در غالب تحقیق بنیادی است و شیوه جمع‌آوری اطلاعات مبتنی بر مستندات، مقالات علمی و منابع کتابخانه‌ای است. فرضیه تحقیق حاضر این است که ظرفیت‌های فراوانی در سند چشم‌انداز کشور و قانون اساسی برای توسعه آموزش‌های محیط‌زیستی وجود دارد. به‌منظور اثبات این فرضیه بر اساس روش تحلیل محتوا سعی در یافتن ارتباط بین اهداف سند چشم‌انداز و آموزش محیط‌زیست شده است و با روش توصیفی سند چشم‌انداز و قانون اساسی از دیدگاه آموزش محیط‌زیست بررسی و تفسیر شده است. تحلیل محتوا روش مطالعه و تجزیه و تحلیل ارتباط به شکلی نظام‌مند، عینی و کمی به‌منظور سنجش متغیرها است (بیابان‌گرد، ۱۳۸۲: ۸۶). این روش یکی از کاربردی‌ترین روش‌های تحقیق است که هدفش تفسیر کردن است و هر محقق به صورتی با آن سروکار دارد (مرعشی، هاشمی و مقیمی‌گسک، ۱۳۹۱: ۷۹). هدف غالب تحلیل محتوا پاسخگویی به پرسش‌هایی است که با مواد مورد تجزیه و تحلیل ارتباط مستقیم دارند (دلاور، ۱۳۸۵: ۲۷۶). فرایند انجام این پژوهش بر اساس شکل شماره (۱) نشان داده شده است.

شکل شماره (۱) - فرایند انجام پژوهش



۱. تحلیل جایگاه آموزش محیط‌زیست در سند چشم‌انداز

توسعه پایدار به معنای تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی برای حداکثرسازی رفاه انسان فعلی بدون آسیب‌رساندن به توانایی نسل‌های آتی برای برآوردن نیازهایشان است (رادکلیف، ۱۳۷۳: ۳۴). بر همین اساس آموزش‌های محیط‌زیستی، علاوه‌بر بعد اکولوژیکی شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هم می‌شود. سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ویژگی‌هایی را در افق ۱۴۰۴ برای کشور برمی‌شمارد که رسیدن به تعدادی از این ویژگی‌ها، جز با ابزار آموزش محیط‌زیست امکان‌پذیر نیست. مهم‌ترین چشم‌انداز مرتبط با آموزش محیط‌زیست در این سند عبارت از بهره‌مندی از محیط‌زیست مطلوب است. آموزش محیط‌زیست بنیادی‌ترین شیوه در حفاظت از محیط‌زیست بوده که هدف از آن، یافتن بهترین نظام و شیوه ارائه مطالب، نحوه فعالیت‌ها و اجرای ساختاری است که زمینه‌ساز ارتقای آگاهی‌های محیط‌زیستی در سطح

جامعه شود تا هر فرد از طریق احترام گذاشتن به طبیعت، خود را مسئول حفظ و حمایت محیط‌زیست بداند (محرمنژاد و حیدری، ۱۳۸۵: ۶۸).

از دیگر ویژگی‌های موجود در سند چشم‌انداز کشور که آموزش محیط‌زیست در دستیابی به آن نقش راهبردی ایفا می‌کند عبارت است از: جامعه‌ای متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، بهره‌مند از امنیت اجتماعی، برخوردار از دانش پیشرفته، بهره‌مند از سلامتی، دارای رفاه، بهره‌مند از امنیت غذایی، به دور از فقر، الهام‌بخش، بهره‌مند از توسعه کارآمد و دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان (مجلس خبرگان، ۱۳۵۸). در ادامه رابطه هر یک از این ابعاد با آموزش‌های محیط‌زیستی تفسیر می‌شود.

۱-۱. جامعه‌ای متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی

تعالیم اسلامی بیانگر این حقیقت است که این آیین مجموعه‌ای از ارزش‌هاست که رعایت آنها سیر تکاملی عالم وجود و از جمله انسان را تضمین می‌کند. این نظام دربرگیرنده مباحث مربوط به محیط‌زیست از جمله نحوه استفاده از منابع، نحوه ارتباط انسان با طبیعت و از همه مهم‌تر کیفیت رابطه انسان با خداست. در ایمان اسلامی رابطه فرد با محیط‌زیست، تحت ضوابط خاصی است (حدادی، ۱۳۸۷، الف: ۵۴). آیاتی از قرآن کریم این ضوابط را تعیین می‌کند. به‌طور نمونه آیه: «هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها؛ او خدایی است که شما را از خاک آفرید و برای آباد کردن زمین برگماشت»، گواهی بر این مدعاست (هود، ۶۸). علاوه بر آیات کریمه قرآن، در روایات بسیاری اهمیت حفاظت از محیط‌زیست آشکار می‌شود. چنانکه حضرت علی(ع) در مورد کسی که حیوانی را بیهوده بکشد یا درختی را بیهوده ببرد یا کشتزاری را تباه کند یا چاهی را بخشکاند یا خانه‌ای را ویران سازد حکم می‌کرد که بهای آنچه را از بین برده یا فاسد کرده بپردازد و او را تعزیر می‌فرمود (مولایی، ۱۳۸۸: ۲۰۳).

بر اساس اصول اخلاقی اسلام، مخلوقات خداوند به دلیل اراده خدا برای تداوم هستی آنها و بر اساس عدالت درون‌نسلی و برون‌نسلی درخور احترام و محافظت هستند و چون هیچ موجودی غیر از انسان قادر به حفاظت از محیط‌زیست نیست، این وظیفه بر عهده انسان نهاده شده است (عزالدین، ۱۳۸۶: ۵۷). اخلاق و ارزش‌های اخلاقی راهنمای عمل انسان است و از طریق اعمال بایدها و نبایدها آزادی لجام‌گسیخته انسان را در تخریب محیط‌زیست محدود می‌کند. بنابراین با توجه به اینکه بسیاری از ارزش‌های اسلامی اعم از آیات و روایات اسلامی و نیز اصول اخلاقی در زمینه حفظ طبیعت و احترام به آن است، می‌توان آموزش محیط‌زیست را در دستیابی به اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی یک راهبرد استراتژیک تلقی کرد.

۱-۲. جامعه‌ای بهره‌مند از امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی از جمله مواردی است که در سند چشم‌انداز برای کشور لحاظ شده است. در ادامه به ارتباط آموزش محیط‌زیست با امنیت اجتماعی می‌پردازیم. «امنیت اجتماعی، حالت فراغت همگانی از تهدیدی است که رفتار غیرقانونی یک فرد، سازمان یا دولت ممکن است در تمامی یا در بخشی از جامعه پدید آورد. امنیت اجتماعی ناظر بر توانایی پاسداشت یا دفع تهدید از عنصری است که افراد یک جامعه را به همدیگر پیوند می‌زند و مرتبط می‌سازد. محیط‌زیست به‌عنوان بستر اساسی تجمع انسان‌ها و تشکیل اجتماعات انسانی است و به‌عنوان عاملی مؤثر در همبستگی مادی و معنوی آحاد جامعه و به‌عنوان شاخصی مهم در تأمین امنیت اجتماعی به شمار می‌رود» (تیلا، ۱۳۸۵: ۴۹-۴۷). به‌طور نمونه، خسارت‌های محیط‌زیستی مانند زلزله یکی از عوامل تهدیدکننده امنیت اجتماعی است و آموزش محیط‌زیست مهارت‌هایی را در افراد بومی به وجود می‌آورد که خسارات و صدمات وارده را به حداقل برسانند. نمونه دیگر از ابعاد محیط‌زیستی مؤثر در تأمین امنیت اجتماعی، تغذیه است. در جامعه‌ای که نیاز پایه غذایی برطرف نشود، جرم و جنایت به‌طور چشمگیری افزایش خواهد یافت. آموزش محیط‌زیست شامل آموزش کشاورزی پایدار درصدد است که سیستم غذایی جامعه را به حداکثر پایداری برساند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۰: ۱۱۵-۱۱۳). این مثال‌ها و موارد متعدد دیگر مشخص می‌کنند امنیت اجتماعی در گرو آموزش محیط‌زیست است.

۱-۳. جامعه‌ای برخوردار از دانش پیشرفته

مورد دیگری که در سند چشم‌انداز قید شده است، جامعه‌ای برخوردار از دانش پیشرفته است. دل‌نگرانی‌های مربوط به محیط‌زیست بیش از چند دهه دوام یافته است تا جایی که در بیشتر کشورهای جهان، قوانین و مقررات محیط‌زیستی نفوذ همه‌جانبه‌ای در ارکان زندگی کرده و خط‌مشی‌ها و اهداف و راهبردهای محیط‌زیستی بخشی از برنامه‌های توسعه را در بر گرفته است و دولت‌ها مسئله آموزش محیط‌زیست را با وسواس بیشتری دنبال می‌کنند. معضلات و بحران‌های حاد ناشی از آرزوی انسان برای مهار طبیعت بدون آموزش محیط‌زیست امکان‌پذیر نیست. آموزش محیط‌زیست یک شاخه به‌نسبت نو، پویا و بی‌نهایت پیچیده برای مطالعه و تفسیر است. در واقع، این رشته با تدریس و یادگیری مطالب پیچیده سروکار دارد که گاهی اوقات درک و شناخت انسان را به چالش می‌کشد (پالمر، ۱۳۹۰: ۶-۵). در حال حاضر آموزش محیط‌زیست زمینه‌ای از دانش است که عمر آن به چند دهه نمی‌رسد (یونسکو، ۱۳۷۰: ۱۴-۱۳)، ولی این دانش در جهان پیشرفته تازگی ندارد و بخشی از نظام آموزشی رسمی و غیررسمی این دسته از کشورها به حساب می‌آید. این در حالی است که در کشورهای در حال

توسعه، موضوع آموزش محیط‌زیست و افزایش سطح آگاهی‌های عمومی برای متوقف کردن حرکت پرشتاب نابودی محیط‌زیست و طبیعت راه‌حلی جدی به شمار می‌رود (پالمر، ۱۳۹۰: ۴). موضوعاتی از قبیل مدیریت پسماند، حفاظت از جو، توسعه پایدار، حفاظت از اکوسیستم‌ها، حمل‌ونقل، اسکان، همچنین استفاده از انرژی‌های پاک، در حیطه علم آموزش محیط‌زیست قرار گرفته، در صورتی که این علم نوعی از دانش پیشرفته است که بنا بر سند چشم‌انداز لازم است مردم کشور به آن تجهیز شوند.

۱-۴. جامعه‌ای بهره‌مند از امنیت

امنیت نیز از جمله مواردی است که در سند چشم‌انداز لحاظ شده و با آموزش محیط‌زیست ارتباط موضوعی دارد. «امنیت ملی در مفهوم امروزی آن، تنها به مصونیت کشور و سرزمین در برابر حمله خارجی یا شورش داخلی محدود نمی‌شود، بلکه از جهات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری ابعاد جدیدی یافته است. بدون تردید محیط‌زیست یکی از ابعاد جدید و مؤثر بر امنیت ملی است که در مطالعات جهانی جایگاه ویژه‌ای یافته است و حتی آینده مناسبات بین‌المللی و روابط بازیگران داخلی در اجتماعات سیاسی نیز بر اساس آن ارزیابی و تحلیل می‌شود» (تیلا، ۱۳۸۵: ۴۲). «امنیت به معنای توانایی و انسجام نهادی و شخصی جامعه برای مقابله با تهدیدات درونی و بیرونی است» (اصغری، ۱۳۹۱: ۱۶۱)، اما چگونه جامعه‌ای که توسعه در آن بنیان‌های ناعادلانه را بنا نهاده به امنیت می‌رسد، بنابراین برای تأمین امنیت باید ریشه‌ها را جستجو و درمان کرد. توسعه پایدار در دوران جدید به راهبردهایی برای امنیت جهانی تبدیل شده است. امنیت از طریق اسلحه جای خود را به امنیت از طریق توسعه و امنیت زمینی جای خود را به امنیت انسانی داده است و از آنجاکه یکی از ابعاد توسعه پایدار محیط‌زیست است بنابراین امنیت کامل در صورتی تأمین خواهد شد که آموزش‌های محیط‌زیستی به‌طور فراگیر در همه سطوح توسعه یابد.

۱-۵. جامعه‌ای برخوردار از سلامتی

جامعه‌ای برخوردار از سلامتی، از موارد دیگری است که در سند چشم‌انداز مورد توجه قرار گرفته و واضح است که با آموزش محیط‌زیست مرتبط است. «بر اساس متون دینی توجه به تأمین سلامت محیط‌زیست از حقوق اساسی بشر است» (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۷۶). می‌توان گفت نابودی محیط‌زیست که عمده‌تاً نتیجه سیاست‌های توسعه ناپایدار و لجام‌گسیخته است، به افزایش هزینه‌های سلامت در جامعه منجر می‌شود. به‌عبارت بهتر، علاوه بر آنکه تخریب اکوسیستم‌ها و افزایش انتشار آلاینده‌های مختلف، رشد اقتصادی بلندمدت را تهدید می‌کند، هزینه‌های بخش سلامت را نیز افزایش می‌دهد (مهرآرا، شرزهای و محقق، ۱۳۹۰: ۷۹). برای

نمونه تحقیقات متعدد، ارتباط تنگاتنگی را بین سموم کشاورزی با انواع سرطان‌ها، غدد درون‌ریز، اختلالات سیستم عصبی و رفتاری، رشد ونمو، تولیدمثل، بیماری‌های تنفسی و سیستم ایمنی نشان می‌دهد (Nougadère, 2011: 1485)؛ به‌طوری‌که بر اساس پژوهش به‌عمل‌آمده در آمریکا هزینه‌های اجتماعی و محیط‌زیستی ناشی از مصرف حشره‌کش‌ها در این کشور، حدود ده میلیارد دلار در سال تخمین زده شده است (Kathmandu, 2007: 305). آموزش محیط‌زیست در کاهش مصرف کود و سموم کشاورزی می‌تواند سلامت محصولات کشاورزی را تضمین و در نتیجه بر سلامت انسان و جامعه اثر بگذارد. آموزش محیط‌زیست با آموزش‌های پایدار در بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات و مصرف‌کنندگان سعی دارد عوامل تهدیدکننده سلامت جامعه را به حداقل برساند؛ بنابراین آموزش محیط‌زیست از این حیث حائز اهمیت است.

۱-۶. جامعه‌ای دارای رفاه

داشتن جامعه مرفه از جمله آمال و آرزوهای هر ملتی است که در سند چشم‌انداز کشور نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در رابطه با رفاه تعاریف متعددی وجود دارد. «رفاه اجتماعی، به معنای فراهم‌ساختن آسایش جسمی و فکری، مادی و معنوی تمامی افراد جامعه با دامنه نفوذ بسیار گسترده‌اش، امنیت جان، مال و آبرو، تأمین شغل، بهداشت، آموزش و پرورش و مانند آنها را دربرمی‌گیرد.» (اصغری، ۱۳۹۱: ۱۶۰). در بینش توحیدی، رفاه اجتماعی به‌عنوان یک راهبرد کارآمد در حوزه دین، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. در حقیقت می‌توان گفت نگاه دین به رفاه اجتماعی نگاه جامع به انسان و نیازهای اساسی او و نیز چگونگی بهره‌گیری از طبیعت و ارتباط او با دیگر هموعان است. شاخصه‌های رفاه سه چیز است: امنیت، عدالت و فراوانی که این هر سه شاخصه‌هایی هستند که تنها با حفظ و بهره‌وری معقول از طبیعت به‌دست می‌آیند و چگونگی و میزان بهره‌گیری معقول از طبیعت تنها از راه آموزش امکان‌پذیر است. به‌علاوه توسعه و رفاه مفاهیمی مرتبط هستند؛ به‌طوری‌که رفاه بدون توسعه و توسعه بدون رفاه امکان‌پذیر نیست (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۱: ۶). با توجه به اینکه آموزش محیط‌زیست یکی از مؤلفه‌های توسعه پایدار است، بنابراین تأمین رفاه اجتماعی بدون آموزش‌های محیط‌زیستی امکان‌پذیر نمی‌باشد.

۱-۷. جامعه‌ای برخوردار از امنیت غذایی

جامعه‌ای برخوردار از رفاه و امنیت غذایی از موارد دیگری است که در سند چشم‌انداز برای کشور پیش‌بینی شده است. در ادامه به ارتباط این مورد با آموزش محیط‌زیست می‌پردازیم. بانک جهانی امنیت غذایی را «دسترسی همه مردم در تمام اوقات، به غذای کافی داشتن

یک زندگی سالم» تعریف می‌کند که این تعریف در کنفرانس رم نیز مورد تأکید همگان قرار گرفته است (حقوقی، ۱۳۷۷: ۱۹). سه عنصر موجود بودن غذا، دسترسی به غذا و پایداری در بافتن غذا محورهای اصلی این تعریف می‌باشند که موجود بودن غذا شامل میزان مواد غذایی در مرزهای ملی از طریق تولید داخلی و واردات مواد غذایی است و مفهوم دسترسی به غذا نیز دسترسی فیزیکی و اقتصادی به منابع، برای تأمین اقلام غذایی مورد نیاز جامعه و پایداری در دریافت غذا، ثبات دریافت ارزش‌های غذایی مورد نیاز جامعه است (رکنی، ۱۳۷۲: ۲۳).

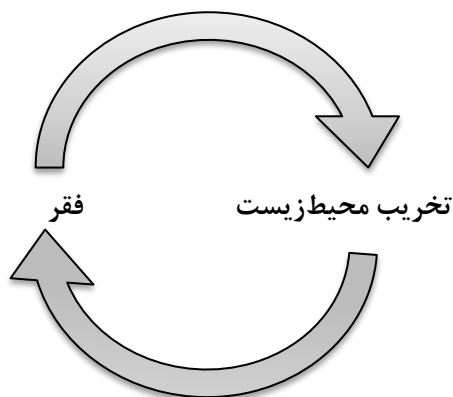
امنیت غذایی یعنی توانمندسازی شهرها، کاهش هزینه‌های پزشکی، ایجاد شغل‌های محلی بیشتر، دوستی بیشتر با محیط‌زیست، کاهش آلودگی‌ها، دوستی و مهر و به‌طور خلاصه امنیت غذایی، یعنی نه اسراف و نه نیاز (Raja et al, 2008: 48) و همه اینها در گرو آموزش محیط‌زیست است. در حال حاضر، سموم و کودهای شیمیایی سلامت محصولات کشاورزی را به خطر انداخته، تغییر کاربری کشاورزی باعث از بین رفتن زمین‌های کشاورزی و کاهش تولید شده و مهاجرت روستائیان به علل گوناگون و بالارفتن قیمت محصولات کشاورزی امنیت غذایی جامعه را با تهدید مواجه کرده است. به‌وسیله آموزش‌های محیط‌زیستی در هر یک از موارد مذکور می‌توان از تهدیدات امنیت غذایی کاست.

۱-۸. جامعه‌ای به دور از فقر

برای بیان ارتباط جامعه‌ای به دور از فقر که در سند چشم‌انداز مورد توجه واقع شده و آموزش محیط‌زیست، ابتدا به تعریف فقیر می‌پردازیم و سپس ارتباط آن را با آموزش محیط‌زیست بازگو می‌کنیم. در تعاریف مربوط به فقر، فقیر به کسی اطلاق می‌شود که درآمد یا مصرف وی برای تأمین حداقل نیازهای اساسی کفایت نکند (باقری، ۱۳۸۵: ۷۲). فقر اثرات زیانباری بر جامعه وارد می‌کند. فقر تراژدی غمناکی است که روابط عاطفی والدین و فرزندان را متلاشی، روح پاک انسانی را نابود، کودکان معصوم را محکوم به مرگ و عقب‌ماندگی، مادران را گرفتار غم و زندگی خانوادگی را مبدل به تلخ‌ترین جولانگاه مبارزه برای کسب معاش می‌کند. فقرا سازه مهمی در تخریب محیط‌زیست به‌شمار می‌آیند، زیرا برای بقا هیچ راهی جز استثمار و بهره‌برداری بی‌مهابا از منابع ندارند. در مجموع فقر ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و سلامتی زمین را تهدید می‌کند، بنابراین لازم است ریشه‌های آن شناسایی شود تا بسیاری از مشکلات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی درمان شود (رحیمی، ۱۳۸۹: ۲۱۶-۲۱۴). به‌عنوان نمونه قطع بی‌رویه درختان جنگل، تغییر کاربری جنگل و مرتع به زمین‌های کشاورزی و بهره‌برداری بی‌رویه از مراتع برای تأمین معاش را می‌توان از جمله آسیب‌های فقرا به منابع طبیعی برشمرد که پیامدهای محیط‌زیستی بی‌شماری را در جهان سبب می‌شود و تغییر اقلیم از جمله این

پیامدهاست. چنانچه ذکر شد تخریب محیط‌زیست خود یکی از عوامل اساسی فقر در میان انسان‌ها به شمار می‌رود. باید توجه داشت که بین فقر و تخریب محیط‌زیست یک حلقه بازخورد مثبت وجود دارد، به طوری که فقر بیشتر، تخریب بیشتر محیط‌زیست را در پی دارد و تخریب بیشتر محیط‌زیست، فقر بیشتر را دامن می‌زند (شکل شماره ۲). به‌عنوان مثال، تغییر کاربری کشاورزی به دلیل فقر باعث تخریب زمین‌های کشاورزی شده که خود تهدید امنیت غذایی و افزایش قیمت مواد غذایی را سبب می‌شود و در نهایت نتیجه آن فقر بیشتر است.

شکل شماره (۲) - بازخورد مثبت فقر و تخریب محیط‌زیست



نتیجه آنکه فقر و تخریب محیط‌زیست رابطه متقابل داشته و با اصلاح رابطه انسان و محیط‌زیست می‌توان این تأثیر دوطرفه را بهبود بخشید. آموزش در به‌کارگیری الگوی بهینه مصرف در بخش انرژی و مواد، آموزش در جهت کاهش استفاده از نهاده‌های کشاورزی به‌منظور کاهش هزینه‌های اجتماعی و بهداشتی ناشی از کاربرد آن مواد و آموزش کشاورزان برای جلوگیری از هدررفت آب و از بین رفتن زمین‌های کشاورزی به‌دلیل کشاورزی غیرعلمی از جمله عواملی هستند که فقر را در یک کشور کاهش می‌دهند. این نمونه‌ها و موارد متعدد دیگر نقش آموزش محیط‌زیست در رسیدن به جامعه‌ای به دور از فقر را نشان می‌دهد.

۹-۱. جامعه‌ای الهام‌بخش

جامعه الهام‌بخش از جمله مواردی است که در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ برای کشور لحاظ شده که در ادامه به ارتباط این مورد با آموزش محیط‌زیست می‌پردازیم. «الهام در لغت به معنای در دل‌افکندن امری یا مطلبی است و معنای دیگر این کلمه القای امری از جانب خداوند است» (عمید، ۱۳۳۹: ۱۵۳). بر اساس سند چشم‌انداز، ایران کشوری الهام‌بخش است. الهام‌بخشی ایران در جهان اسلام بر مبنای سلطه اقتداری است، نه سلطه اجباری. منظور ایجاد نظم و ثبات

از راه هدایت افکار عمومی و جلب آنها است و نه سلطه اجباری که از طریق کاربرد قدرت است (جوادی‌ارجمند، ۱۳۸۷: ۷۴). جامعه‌ای می‌تواند الهام‌بخش جوامع دیگر باشد و افکار عمومی را جلب و هدایت کند که مردمش عامل به ابتدایی‌ترین اصول حفاظت از محیط‌زیست باشند. انسان‌هایی که خیابان‌ها و کوچه‌های تمیز و بدون زباله دارند، الگوی مصرف صحیح سرلوحه زندگی آنها است، به زمین و منابع طبیعی آن به‌منزله امانت گرانقدر الهی می‌نگرند، کمترین تخریب و آلودگی را برای محیط‌زیست خود به میراث می‌گذارند و چنان زندگی می‌کنند که شیوه زندگی پیامبر بزرگ و امامان راستین شیعیان بوده و هست. این مهم امکان‌پذیر نیست، مگر با آموزش‌های محیط‌زیستی در بخش رسمی و غیررسمی کشور شامل دانش‌آموزان و دانشجویان، سیاست‌مداران و تصمیم‌گیران کلان، کشاورزان و صنعت‌گران و شاغلان در بخش خدمات. همه باید آموزش‌های اولیه محیط‌زیستی منطبق با حرفه خود را بیاموزند تا تغییر رفتار سازگار با طبیعت در آنها ایجاد شود و بتوانند الهام‌بخش دیگران در همه زمینه‌ها باشند.

۱-۱۰. جامعه‌ای برخوردار از توسعه کارآمد

توسعه کارآمد از جمله مواردی است که با آموزش محیط‌زیست ارتباط بسیار نزدیکی دارد و در سند چشم‌انداز، ایران در سال ۱۴۰۴ جامعه‌ای با توسعه کارآمد معرفی شده است. توسعه در گذشته فرایندی تصور می‌شد که طی آن جوامع مختلف از شرایط اولیه عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی با عبور از مراحل تکاملی کم‌وبیش یکسان و تحمل دگرگونی‌های کمی و کیفی به جوامع توسعه‌یافته تبدیل می‌شدند. این نوع توسعه تک‌عاملی بوده و دارای نظریه‌های بدون زمان و مکان است و اساساً توسعه ضدانسانی به شمار می‌رود و ثمرش در کشورهای جهان سوم تنها فقر، نابرابری، تحقیر و تخریب فرهنگی است (نصیری، ۱۳۸۹: ۷۷).

از بین رفتن گونه‌های زنده و ایجاد اختلال در چرخه‌های محیط‌زیستی، از بین رفتن منابع تجدیدناپذیر، به‌علاوه شکاف طبقاتی باوجود پیشرفت‌های جدی در عرصه اقتصاد سبب شد که توسعه پایدار در روند توسعه مورد توجه قرار گیرد. در این مرحله ضمن تأکید بر اصل کارایی به‌صورت تحقق توسعه، در جهت پایداری آن بر دو نکته احترام به محیط‌زیست و عدالت بین نسلی تأکید شده است (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۴: ۱۱۱).

«توسعه پایدار فرایندی مستمر از دگرگونی، انطباق و سرمایه‌گذاری است که طی آن بهره‌کشی از منابع، جهت‌گیری سرمایه‌گذاری و توسعه فناوری و دگرگونی نهادی همگی در هماهنگی با هم، دربرگیرنده نیازهای بالقوه و بالفعل انسان می‌شود. توسعه پایدار یک دگرگونی ذهنی بنیادین در شیوه تفکر، زندگی، تولید، مصرف و نگرش به انسان‌ها است» (نصیری، ۱۳۸۹: ۷۹). توسعه پایدار برآورنده نیاز و آرمان انسان‌ها، نه فقط در یک کشور و یک منطقه که

تمامی مردم در سراسر جهان و در حال و آینده است. انسان، محیط زیست، فرهنگ، آموزش، علم، اخلاق، امنیت و مشارکت از جمله مؤلفه‌های این نوع توسعه به‌شمار می‌رود. با توجه به اینکه محیط‌زیست یکی از مؤلفه‌های توسعه پایدار محسوب شده و آموزش اصلی‌ترین کلید برای رسیدن به توسعه پایدار به‌شمار می‌رود پس از این حیث می‌توان آموزش محیط‌زیست را حائز اهمیت دانست.

۱-۱. جامعه‌ای دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان

جامعه‌ای دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان، آخرین موردی است که در سند چشم‌انداز لحاظ شده و با آموزش محیط‌زیست مرتبط است. «تعامل سازنده همان رویکرد تعاملی توسعه‌گرا در کلیه قلمروهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط‌زیستی است که در راستای آن باید ارائه تصویر واقعی و مثبت از ایران در محیط بین‌المللی انجام گیرد تا بده بستان دوسویه، ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها توسعه یابد. تعامل سازنده در حقیقت رقابت و همکاری است نه ستیزش و تقابل. این رویکرد به‌گونه‌ای است که باید نسبت به فرصت‌ها و تهدیدات هر حوزه جغرافیایی، شناختی مؤثر وجود داشته باشد» (جوادی‌ارجمند، ۱۳۸۷: ۷۲ و ۷۹).

بدین منظور برای تعامل سازنده با دیگر کشورهای جهان نیاز است که بخش‌های مختلف این کشورها مورد مطالعه قرار گیرد. بخش تعلیم و تربیت از جمله بخش‌هایی است که می‌تواند زمینه‌ساز تعامل سازنده با کشورهای دیگر شود. به‌عنوان نمونه در بخش تعلیم و تربیت نتایج حاصل از بررسی سیستم آموزش رسمی در کشورهای پیشرفته مانند مالزی و آمریکا نشان می‌دهد آموزش محیط‌زیست، بسیار توسعه‌یافته است. به‌طوری‌که در سال ۱۹۹۰ اساساً همه عناصر مورد نیاز برای آموزش محیط‌زیست دانش‌آموزان از قبیل مواد درسی، تربیت‌معلم و توسعه برنامه درسی ایجاد شده است (Hamid el al, 1990: 4781) و (U.S. Environmental Protection Agency, 1996: 14-16). این در حالی است که در ایران تحول در آموزش و پرورش به‌تازگی آغاز شده، چنانچه در سند تحول بنیادی آموزش و پرورش که در سال ۱۳۹۰ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است به آموزش‌های محیط‌زیستی نیز اشاره شده است؛ بنابراین تعامل سازنده با دیگر کشورها ما را به سمت توسعه آموزش محیط‌زیست سوق می‌دهد. در نتیجه توسعه آموزش‌های محیط‌زیستی، در کنار فعال‌سازی سایر بخش‌ها می‌تواند ظرفیت راهبردی ایران را برای تعامل سازنده با دیگر کشورهای جهان افزایش دهد. در ادامه اصول مرتبط با آموزش‌های محیط‌زیستی در قانون اساسی تشریح می‌شود.

۲. تحلیل جایگاه آموزش محیط‌زیست در قانون اساسی

بررسی اصول قانون اساسی نشان می‌دهد مهم‌ترین اصل مرتبط با محیط‌زیست اصل پنجاهم است که بیان می‌دارد در جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط‌زیست که نسل‌امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این‌رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است» (شورای نگهبان، اصل ۵۰).

بر اساس تحقیقات انجام‌شده، علت دگرگونی و تخریب محیط‌زیست ناشی از ناآگاهی یا عدم توجه به محیط اطراف، کمبود آموزش‌های علمی و کارشناسانه و خودخواهی انسان و پشت کردن به ارزش‌ها و آداب و رسوم گذشته در جهت حمایت از آن بوده است (محرمنژاد و حیدری، ۱۳۸۵: ۶۹-۶۸). با توجه به اینکه اصل پنجاهم قانون اساسی، حفاظت از محیط‌زیست را وظیفه همگانی تلقی می‌کند، ضروری است که اقدامات مستمر و همه‌جانبه و فراگیر در جهت افزایش آگاهی‌های محیط‌زیستی جامعه صورت گیرد. تردیدی نیست که آموزش محیط‌زیست به‌طور مستمر و هدف‌دار برای اقشار مختلف جامعه، می‌تواند به داشتن جامعه‌ای با وجدان محیط‌زیستی منجر شده و جامعه‌ای بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب را فراهم کند.

علاوه بر اصل پنجاهم قانون اساسی، بندهای اول، دوم، چهارم، هشتم و سیزدهم از اصل ۳ از نظر آموزش محیط‌زیست دارای اهمیت است. بند یک اصل ۱۳، دولت را به ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی موظف می‌کند (سایت شورای نگهبان، اصل ۱۳).

چنانچه ذکر شد، فضیلت‌های اخلاقی در زمینه محیط‌زیست در دین اسلام بسیار مفصل است. به‌علاوه باید توجه داشت که اخلاق محیط‌زیست در فرهنگ ایرانیان باستان نیز بسیار مورد تأکید بوده است. چنانچه در کتاب اوستا آمده است که روزی زرتشت از اهورامزدا می‌پرسد برای بهتر زیستن خلق و خوشبختی آنها چه باید کرد و چه قومی خوشبخت‌تر است؟ اهورامزدا پاسخ می‌دهد جامعه‌ای که مردمانش درخت مثمر بکارند و زمین‌های بایر را به سرزمین‌های بزرگ کشاورزی و گلهداری تبدیل کنند (حدادی، ۱۳۸۷، ب: ۲۷). حضرت محمد(ص) می‌فرماید: «نزد من شکستن درخت به منزله شکستن بال فرشتگان است» (سیفی و حکمتی، ۱۳۹۰: ۱۷۵)؛ بنابراین می‌توان گفت بر اساس این بند دولت موظف است اخلاق فراموش‌شده محیط‌زیستی که ریشه در فرهنگ ایرانی-اسلامی دارد را توسعه دهد.

بند دو از اصل ۱۳، بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر را از جمله وظایف دولت می‌شمارد. بر اساس این

بند، دولت موظف است به‌وسیله مطبوعات و رسانه‌های گروهی آگاهی‌های محیط‌زیستی را که زیرمجموعه‌ای از آگاهی‌های عمومی است گسترش دهد، در صورتی که زمان اندکی از برنامه‌های رسانه ملی به افزایش آگاهی‌های محیط‌زیستی اختصاص دارد و برای گروه‌های مخاطب، آن‌طور که شایسته است آموزش‌های هدفمند محیط‌زیستی، ارائه نشده است.

بر اساس بند چهار از اصل ۱۳، «دولت موظف است به تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان بپردازد».

با عنایت به این موضوع که آموزش محیط‌زیست یکی از موضوعات مهم علمی و فرهنگی است، دولت موظف است با تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان در زمینه آموزش محیط‌زیست روح ابتکار را در آنان تقویت کند تا شیوه‌های جدید آموزش‌های محیط‌زیستی ابداع و به کار گرفته شود.

بند ۸ از اصل ۱۳، دولت را به جلب مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش ملزم می‌دارد. با توجه به اینکه محیط‌زیست بستر فرهنگ مردم بوده و ارتباط انسان با آن جزئی از فرهنگ منطقه به شمار می‌رود مشارکت مردم در زمینه آموزش در راستای حفظ محیط‌زیست می‌تواند زیرمجموعه‌ای از مشارکت مردم در تعیین سرنوشت فرهنگی باشد که بر اساس این بند دولت وظیفه بسط و گسترش آن را بر عهده دارد. بند ۱۳ از اصل ۱۳، تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند این‌ها را جزء وظایف دولت برمی‌شمارد.

در حال حاضر، آموزش‌های محیط‌زیستی در کشورهای پیشرفته مثل کانادا و آمریکا چنان گسترش یافته که همه مخاطبان را زیر پوشش گرفته است. به‌عنوان نمونه در ایالت کارولینای آمریکا یکی از آموزش‌هایی که در مدارس داده می‌شود این است که چگونه دانش‌آموزان با زباله‌های تولیدی در مدرسه خودشان نوآوری‌هایی را ابداع کنند که علاوه بر افزایش کارایی انرژی، نقش مدرسه را در تغییر اقلیم کاهش دهند (Southern Alliance for Clean Energy, 2010). علاوه بر مدارس و دانشگاه‌ها، فعالیت‌های آموزش غیررسمی محیط‌زیست در مجموعه گسترده‌ای از باغ‌وحش‌ها، موزه‌ها، آکواریوم‌ها، مراکز طبیعت و مراکز علمی، پارک‌ها و مراکز اجتماعی در سراسر این کشورها برپاست (U.S. Environmental protection agency, 1996:17). متأسفانه در این زمینه کشور ما بسیار ضعیف عمل کرده، به‌طوری‌که نوآوری و ابتکار در راستای آموزش‌های محیط‌زیستی محدود است و هر آنچه که داریم تقلیدی از کشورهای غربی

است، درحالی‌که فرهنگ اصیل ایرانی غنی از آموزش‌های محیط‌زیستی است که لازم است در آموزش‌های رسمی و غیررسمی در جامعه گسترش یابد.

بر اساس اصل ۸، در جمهوری اسلامی ایران امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (توبه، ۷۱).

دعوت به خیر یا امر به معروف می‌تواند رنگ‌وبوی محیط‌زیستی داشته باشد. برای مثال دعوت به درختکاری که خود به نوعی آموزش محیط‌زیست تلقی می‌شود، یا بازداشتن افراد در هنگام آلوده کردن محیط‌زیست که خود نوعی نهی از منکر به حساب می‌آید. قانون می‌تواند شرایطی برای مردم فراهم کند که در صورت تخلف‌های محیط‌زیستی دولت‌مردان، تجمعات و اعتراضات قانونی توسط مردم انجام گیرد. دولت همچنین می‌تواند با استفاده از رسانه‌های عمومی یا ارسال سفیر به مناطق بحران‌زده مثل دریای خزر که به شدت توسط گردشگران آلوده شده است، در جهت امر به معروف و نهی از منکر در راستای حفاظت از محیط‌زیست اقدام عاجل به عمل آورد.

اصل ۴۳ بیان می‌کند: «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود: بند ۶: منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات. بند ۷: استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور. بند ۹: تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند» (سایت شورای نگهبان، اصل ۴۳).

آموزش الگوی بهینه مصرف در بخش مصرف‌کنندگان، آموزش الگوی پایدار تولید در بخش صنعت، آموزش الگوی بهینه توزیع کالا، همه و همه زیربخش‌هایی از آموزش محیط‌زیست به شمار می‌رود (سازمان حفاظت محیط‌زیست، ۱۳۹۰: ۵۴-۵۰)؛ بنابراین بند ۶ از اصل ۴۳، بسط آموزش‌های محیط‌زیستی را به طور کامل مورد تأکید قرار می‌دهد.

در حال حاضر تربیت افراد ماهر در زمینه آموزش محیط‌زیست برای توسعه کشور امری است که اهمیت و فوریت آن اثبات شده و در کشورهای توسعه‌یافته سال‌هاست که اجرایی شده است. به عنوان مثال، دانشگاه ایالت آپالاچیا آمریکا روی آموزش فناوری برق خورشیدی و انرژی بادی کار می‌کند. این مرکز، افراد بیکار و زنان را آموزش داده و برای توسعه آموزش انرژی‌های

پاک به خدمت می‌گیرد (College of Technology&Innovation, 2013). در نتیجه بند ۷ از اصل

۴۳، می‌تواند توجیهی برای الزام دولت در توسعه آموزش‌های محیط‌زیستی باشد.

افزایش تولید به‌وسیله آموزش‌های محیط‌زیستی از قبیل آموزش کشاورزی پایدار میسر

است که بر اساس بند ۹ از اصل ۴۳ جزو وظایف دولت به شمار می‌رود.

بر اساس اصل ۴۵ قانون اساسی، زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها،

رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی

که حریم نیست، انفال و ثروت‌های عمومی به حساب می‌آید (سایت شورای نگهبان، اصل ۴۵).

درک عمومی از این اصل، مستلزم آموزش‌هایی است تا این آگاهی در جوامع به‌وجود آید

که منابع مذکور متعلق به عموم جامعه است و بهره‌برداری بیش از اندازه یا آلودگی آنها تجاوز

به حقوق دیگران است. بنابراین، لازم است با تغییر نگرش و تقویت حس مسئولیت‌پذیری افراد

به‌وسیله آموزش‌های محیط‌زیستی این منابع را حفظ و در اختیار نسل‌های آینده قرار داد.

بر طبق اصل ۵۱، هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود، مگر به‌موجب قانون و موارد معافیت و

بخشودگی و تخفیف مالیاتی به‌موجب قانون مشخص می‌شود (سایت شورای نگهبان، اصل ۵۱).

ارتباط این اصل از قانون اساسی با آموزش‌های محیط‌زیستی را می‌توان این‌طور بیان کرد

که بخشودگی مالیاتی می‌تواند در زمینه‌های محیط‌زیستی اعمال شود. به‌عنوان مثال می‌توان

مراکز صنعتی که از انرژی‌های پاک استفاده می‌کنند را مشمول معافیت مالیاتی کرد که این

مهم مستلزم آموزش محیط‌زیستی در بخش سیاست‌گذاران و بخش‌های تولید و صنعت و

خدمات خواهد بود.

اصل ۱۰۰ بیان می‌دارد: «برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی،

بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات

محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده،

بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب

می‌کنند. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب

و نظارت شوراهای مذکور و سلسله‌مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت

ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می‌کند» (سایت

شورای نگهبان، اصل ۱۰۰).

بر اساس اصل ۱۰۴، تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در

پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران

و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها،

شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل می‌شود. چگونگی تشکیل این شوراهای و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می‌کند (سایت شورای نگهبان، اصل ۱۰۴). در تحلیل ارتباط آموزش محیط‌زیست با اصول ۱۰۰ و ۱۰۴ قانون اساسی با توجه به ضرورت این نوع آموزش در کشور می‌توان در قانون آموزش‌های محیط‌زیستی را به‌عنوان یکی از وظایف شوراهای مندرج در این اصول تعریف کرد.

بر اساس اصل ۱۴۷، دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حدی که به آمادگی رزمی آسیبی وارد نیاید (سایت شورای نگهبان، اصل ۱۴۷). اهداف آموزشی ارتش در زمان صلح می‌توانند در راستای آموزش‌های محیط‌زیستی سوق داده شود. ارائه آموزش‌های محیط‌زیستی در پادگان‌های ارتش که جوانان این مرز و بوم را به خدمت سربازی گرفته است، می‌تواند ظرفیتی بسیار عظیم در گسترش آموزش‌های محیط‌زیستی باشد. چرا که پس از آموزش این افراد می‌توان آنها را به‌عنوان یک آموزش‌دهنده محیط‌زیستی به مناطق مختلف روستایی اعزام کرد تا در غالب آموزش‌های غیررسمی، آموزش‌های پایه‌ای را در کشور توسعه دهند.

فرجام

تغییر کاربری کشاورزی و به‌تبع آن تهدید امنیت غذایی و اجتماعی، استفاده بی‌رویه از سموم کشاورزی و گسترش بیماری‌های ناشی از آن، از بین رفتن جنگل‌ها و توسعه بیابان‌ها، تهدید منابع طبیعی در اثر استفاده نامعقول انسان، افزایش آلودگی‌های هوا، صدا، آب، خاک و تبعات مخرب ناشی از آن بر انسان و موجودات زنده و طبیعت، شورش و اسیدی شدن خاک‌های حاصلخیز در اثر دخالت‌های انسان، تهدید گونه‌های گیاهی و جانوری به‌وسیله انسان، کاهش منابع آب شیرین و هدر رفتگی آن نمونه‌ای از مشکلاتی است که محیط‌زیست کشور را تهدید می‌کند. درحالی‌که وظیفه هر نسلی است که این سرزمین را چون امانت الهی پاس داشته و آن را طوری به نسل‌های بعد بسپاریم که زندگی پایدار را برای همه نسل‌ها فراهم سازد، اما متأسفانه اخلاق محیط‌زیستی از میهن ما رخت بر بسته و تخریب و آلوده‌ساختن محیط‌زیست امری عادی تلقی می‌شود.

جا دارد در اینجا سخنی از سارا پاراکین سخنگوی حزب سبز انگلستان راجع به تخریب محیط‌زیست جهان، بازگو شود: «سستی ما، سکوت ما و عدم جسارت ما می‌تواند به این معنا باشد که درنهایت ما تنها گونه‌ای خواهیم بود که نابودی خودمان را موبه‌مو تحت نظارت

داشته‌ایم و گور ما چه سنگ‌نوشته وهن‌آمیزی خواهد داشت: آنان آنچه را فرامی‌رسید می‌دیدند اما چندان خرد نداشتند که راه بر آن برنندند» (رحیمی، ۱۳۸۹).

بیشتر بی‌اخلاقی‌های انسان در مواجهه با زمین و منابع خدادادی آن ناشی از عدم آگاهی است. این عدم آگاهی به‌وسیله آموزش قابل‌تغییر است، اما قبل از هر چیز باید ابزار قانونی مهیا شود. نتیجه این پژوهش روشن‌شدن جایگاه آموزش محیط‌زیست در سند چشم‌انداز و قانون اساسی کشور است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد در سند چشم‌انداز کشور، ایران در سال ۱۴۰۴ جامعه‌ای است با محیط‌زیست مطلوب که این ویژگی کاملاً مرتبط با آموزش‌های محیط‌زیستی است و رسیدن به ده ویژگی دیگر؛ یعنی بهره‌مند از امنیت اجتماعی، برخوردار از دانش پیشرفته، امن، برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، به دور از فقر، الهام‌بخش، بهره‌مند از توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان، با آموزش‌های محیط‌زیستی رابطه تنگاتنگ دارد و دستیابی به آنها بدون این‌گونه آموزش‌ها ناممکن است. مهم‌ترین اصل قانون اساسی مرتبط با آموزش محیط‌زیست اصل ۵۰ است که حفاظت از محیط‌زیست را وظیفه عمومی تلقی می‌کند، به‌علاوه ایجاد محیط مناسب برای رشد فضایل اخلاقی، بالابردن آگاهی‌ها، تقویت روح ابتکار، مشارکت در تعیین سرنوشت فرهنگی، تأمین خودکفایی در علوم، امر به معروف و نهی از منکر، منع اسراف و تبذیر، تربیت افراد ماهر، افزایش تولیدات کشاورزی برای ریشه‌کنی فقر، اختصاص منابع طبیعی در اموال عمومی، شوراهای سازمانی و محلی و آموزش سربازان در هنگام صلح بر اساس اصول ۳، ۸، ۴۳، ۴۵، ۵۱، ۱۰۰، ۱۰۴ و ۱۴۷ نیز از بعد آموزش محیط‌زیست قابل تفسیر است. با این توصیف مشخص می‌شود آموزش‌های محیط‌زیستی برای رسیدن به سند ۱۴۰۴ و اجرای قانون اساسی یک راهبرد اساسی به حساب می‌آید. در ادامه سیاست‌های مؤثر به‌منظور اجرای اصول و ابعاد مندرج در اسناد بالادست مرتبط با آموزش محیط‌زیست ارائه می‌شود.

۱. آموزش ارزش‌های دینی و فضایل اخلاقی در رابطه با محیط‌زیست در آموزش‌های رسمی و غیررسمی؛
۲. ارائه آموزش‌های محیط‌زیستی به سربازان و اعزام آنها به مناطق مختلف در زمان صلح به‌عنوان آموزشگران محیط‌زیست؛
۳. آموزش الگوی بهینه مصرف و الگوی پایدار تولید در جامعه؛
۴. ریشه‌کنی فقر به‌منظور جلوگیری از تخریب محیط‌زیست؛
۵. تعامل وزارت آموزش و پرورش با دیگر کشورها در رابطه با آموزش محیط‌زیست؛
۶. توسعه تخصصی آموزش‌های محیط‌زیستی در رسانه ملی؛

۷. توسعه آموزش‌های محیط‌زیستی در دانشگاه‌ها و مدارس؛
۸. توسعه آموزش‌های محیط‌زیستی در باغ‌وحش‌ها، موزه‌ها، مراکز طبیعت، پارک‌ها و مراکز اجتماعی؛
۹. تشکیل هسته امر به معروف در شهرداری‌ها به منظور پاکیزه نگه‌داشتن محیط‌زیست؛
۱۰. بخشودگی مالیاتی برای واحدهای تولیدی که در زمینه حفظ محیط‌زیست فعال هستند؛
۱۱. معرفی آموزش‌های محیط‌زیستی به‌عنوان یکی از وظایف شوراهای اداری و محلی.

منابع فارسی

- اصغری، محمود (۱۳۹۱)، «مؤلفه‌های رفاه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی»، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، شماره ۹۴: ۱۸۲-۱۵۹.
- باباپور گل‌افشانی، محمدمهدی (۱۳۹۱)، «مبانی کلامی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۳۱: ۱۸۰-۱۶۷.
- براون، لستر (۱۳۷۲)، *وضعیت جهان*، ترجمه حمید طراوتی، تهران: آروین.
- باقری، فریده، نیما دانش‌پرور و حسین کاوند (۱۳۸۶)، «روند خط فقر و شاخص‌های فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵»، *گزیده مطالب آماری*، شماره ۲: ۸۲-۷۱.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۲)، *روش‌های تحقیق در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران: غدیر.
- پالمر، جوی‌ای (۱۳۹۰)، *آموزش محیط‌زیست در قرن ۲۱*، ترجمه علی محمد خورشیددوست، تهران: سمت.
- تیلا، پروانه (۱۳۸۵)، «بسیج و محیط‌زیست: زمینه‌های قانونی حضور مؤثر در ارتقای امنیت اجتماعی»، *مطالعات راهبردی بسیج*، شماره ۳۱: ۷۲-۴۱.
- حدادی، محسن (۱۳۸۷)، الف، «اندیشه و نظر: مبانی حفاظت از محیط‌زیست در اسلام»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، شماره ۳۶: ۵۷-۵۴.
- حدادی، محسن (۱۳۸۷)، ب، «مبانی اخلاق زیست‌محیطی در ادیان»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، شماره ۲۷: ۲۸-۲۵.
- حقوقی، مرتضی (۱۳۷۷)، *امنیت غذایی، آب و توسعه*، شماره ۲: ۵۷-۴۷.
- جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۰)، *انتظار بشر از دین*، قم: اسراء.
- دلاور، علی (۱۳۸۵)، *مبانی عملی و نظری پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران: رشد.
- رحیمی، حسین (۱۳۸۹)، «بررسی اثر فقر بر محیط‌زیست»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۷۰-۱۶۹: ۲۲۱-۲۱۴.
- رادکلیف، مایکل (۱۳۷۳)، *توسعه پایدار*، ترجمه حسین نیر، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی وزارت کشاورزی.
- رکنی، نوردهر (۱۳۷۲)، *اصول بهداشت مواد غذایی*، تهران: دانشگاه تهران.

سازمان حفاظت محیط‌زیست (۱۳۹۰)، **برنامه جامع آموزش همگانی محیط‌زیست**، تهران: سازمان حفاظت آموزش محیط‌زیست.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۲)، **چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ و سیاست‌های توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی**، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

سایت شورای نگهبان، **قانون اساسی جمهوری اسلامی**، (بدون تاریخ). بازیابی در ۳/۱۸/۱۳۹۴، از شورای نگهبان. قابل دسترسی در: <http://www.shora-gc.ir/Portal/Home>

سیفی، سیدمحمدرضا و جمشید حکمتی (۱۳۹۰)، **طراحی باغ و پارک**، تهران: دانشگاه پیام نور، جزوه درسی رشته کشاورزی.

شیخ‌الاسلامی، مریم (۱۳۹۰)، **برنامه‌ریزی غذایی منطقه‌ای با تأکید بر سموم و زمین‌های کشاورزی**، تهران: دانشگاه تهران.

گرچی، ابوالقاسم (۱۳۶۳)، «اسلام و محیط‌زیست»، **نور علم**، شماره ۴: ۱۱۶-۱۱۱. صالحی‌امیری، سیدرضا و شهرواد امیرانتخابی (بهار ۱۳۹۲)، «راهکارهای ارتقای سرمایه اجتماعی در کشور با توجه به سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۶۶: ۸۴-۶۱. عزالدین، ماویل (۱۳۸۶)، «اخلاق محیط‌زیست در جامعه اسلامی»، ترجمه مؤده دقیقی، **جستارهای شهرسازی**، شماره ۲۱: ۵۹-۵۶.

علائی، حسین (۱۳۹۱)، «امنیت پایدار در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، شماره ۳۹: ۳۴-۱.

عمید، حسن (۱۳۳۹)، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: امیرکبیر. مرعشی، سیدمنصور، سیدجلال هاشمی و اعظم مقیمی‌گسک (۱۳۹۱)، «تحلیل کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم و هدیه‌های آسمانی دوره ابتدایی بر اساس معیارهای درسی فلسفه برای کودکان»، **تفکر و کودک**، سال سوم، شماره ۱: ۸۹-۶۹.

محرمنژاد، ناصر و عمران حیدری (۱۳۸۵)، «تدوین الگوی مدیریتی توسعه پایدار آموزش محیط‌زیست»، **علوم و تکنولوژی محیط‌زیست**، شماره ۲۸: ۷۷-۶۸.

مجلس خبرگان (۱۳۵۸)، **قانون اساسی**، بازیابی شده در تاریخ ۸ خرداد ۱۳۹۲، کتابخانه الکترونیکی. قابل دسترسی در: [Web site: www.Parsbook.org](http://www.Parsbook.org)

مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۱)، «توسعه و رفاه اجتماعی: توأمان لاینفک»، **رفاه اجتماعی**، شماره ۳۶: ۵-۸.

مهرآرا، محسن، غلامعلی شرزهای و محسن محقق (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه کیفیت محیط‌زیست و هزینه‌های بخش سلامت»، **مدیریت سلامت**، شماره ۴۶: ۸۶-۷۹.

نصیری، حسین (۱۳۸۹)، **توسعه و توسعه پایدار: چشم‌انداز جهان سوم**، تهران: سازمان حفاظت محیط‌زیست.

ولایی، عیسی (۱۳۸۸)، **اسلام و محیط‌زیست**، قم: اندیشه مولانا.

منابع لاتین

- ASU College of Technology & Innovation (2013), *Vocational Training & Education for Clean Energy (VOCTEC)*, Retrieved June 8, 2013, from Learn About Campus Action: <http://voctec.asu.edu/files/voctec-brochure.pdf>
- Hamid Abdullah, A. Yacob, M. Rahman, K. Rashid, M. & Yusof, M. (1990), *An Overview of Environmental Sciences and Engineering Education in Malaysia*, Roorke, India, International Planning and Management.
- Jensen, J. (2010), "Local and regional food systems for rural futures", *Rural Policy Research Institute (RUPRI) Rural Futures Lab Foundation Paper*, (1).
- Kathmandu, N. (2007), "Pesticide Use Knowledge and Practices: A Gender Differences in Nepal", *Environmental Research*, Vol.104, No.2: 305-311
- Nougadère, A., Reninger, J. C., Volatier, J. L., & Leblanc, J. C. (2011), "Chronic dietary risk characterization for pesticide residues: A ranking and scoring method integrating agricultural uses and food contamination data", *Food and Chemical Toxicology*, Vol.49, No.7: 1484-1510.
- Raja, s., born, b. m., kozlow, j., & russell, s. (2008), *A planners guide to community and regional food planning*, Newyork: American planning association.
- Southern Alliance for Clean Energy (2010), *Learn about Campus Action*, Retrieved June 5, 2013, from Southern Alliance for Clean Energy. <http://www.cleanenergy.org - Learn about Campus Action.htm>
- Sinha, S. Jangira, N. & Das, S. (1985), *Environmental Education:Module Forpre-Service Training of Social Science Teachers and Supervisors for Secondary Schools*, New Delhi: Division of Science, Technical and Environmental Education.
- Stapp, W. (1969), "The Concept of Environmental Education", *The Journal of Environmental Education*, Vol.1, No.1: 30-37.
- U.S. Environmental Protection Agency (1996), *Report Assessing Environmental Education in The United States and The Implemtnon of the National Environmental Education Act 1990*, Washington: National Environmental Education Advisory Council.